

کتاب

مثنوی معنوی

تألیف

جلال الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی ثم الرومی

دفتر دوم

براساس نسخه‌ی

رینولد الین نیکلسون

چاپ ۱۹۲۹ چاپخانه‌ی بریل، در لیدن هلند



انتشارات کندر

مولوی، مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق
مثنوی (بر اساس نسخی وینولدا لئین نیکلسون) / تالیف جلال الدین محمد بن
محمد بن الحسین البلخی نیمالووس - تهران: کندر، ۱۳۸۹.

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۵۸-۱-۲ (ج. ۱)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۵۸-۲-۱ (ج. ۲)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۵۸-۳-۰ (ج. ۳)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۵۸-۴-۳ (ج. ۴)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۵۸-۵-۰ (ج. ۵)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۵۸-۶-۷ (ج. ۶)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۵۸-۷-۴ (دوره)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیها.

ص.ع. به انگلیسی: The Mathnawi of Jalāl'uddin Rūmī

موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ ق.

شناسه افزوده: نیکلسون، رتلد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م.

شناسه افزوده: Nicholson, Reynold Alleyne

رده بندی کنگره: از ۱۳۸۹ PIR ۵۲۹۸

رده بندی دیویی: ۸۵۳/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۹۴۰۳۸



انتشارات کندر

مثنوی معنوی

(دفتر دوم)

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)

(بر اساس نسخه‌ی رینولد الین نیکلسون)

(مجموعه‌ی میراث)

**The Mathnawi of
Jalāl'uddīn Rūmī**

چاپ اول: ۱۳۸۹

صفحه‌آرایی: سارا محسن‌پور

طراحی جلد: آتلیه کاروان

نمونه‌خوانی: سپیده شاهی

لیتوگرافی: کارا

چاپ: کانون چاپ

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

جلد نرم (دوره‌ی ۶ جلدی): ۱۰۵۰۰ تومان

جلد سخت (دوره‌ی ۶ جلدی): ۱۸۵۰۰ تومان

تمام حقوق محفوظ است.

شابک: 978-600-92158-2-9

شابک دوره: 978-600-92158-7-4

مرکز پخش: کندر - ۸۸۹۵۰۷۳۹

۱۸	ملال پنداشتن آن شخص خیال را در عهد عمر رضی الله عنه
۱۹	در دیدن مارگیر ماری را از مارگیر دیگر
۲۰	التماس کردن همراه عیسی علیه السلام زنده کردن استخوان‌ها (...)
۲۱	اندوز کردن صوفی خادم را در تیمارداشت بهیمه و لأخول (...)
۲۲	بسته شدن تقریر معنی حکایت به سبب میل مستمع به استماع (...)
۲۳	گمان بردن کاروانیان که بهیمه صوفی رنجور است
۲۹	یافتن پادشاه باز را به خانه کبیرین
۳۲	حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه قدس الله سره العزیز جهت (...)
۳۵	ترسانیدن شخصی زاهدی را که کم گری تا کور نشود
۳۶	تمامی قصه زنده شدن استخوان‌ها به دعای عیسی علیه السلام
۳۸	خاریجی روستایی به تاریکی شیر را به ظن آنکه گاو اوست
۳۹	فروختن صوفیان بهیمه مسافر را جهت سماع
۴۲	تعریف کردن ثنائیان قاضی فیلسی را کژد شهر
۴۳	شکایت کردن اهل زندان پیش وکیل قاضی از دست آن فیلس
۵۰	قتل
۵۱	سلامت کردن مردم شخصی را که مادرش را کشت به ثمت
۵۵	امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود
۵۶	به راه کردن شاه یکی را از آن دو غلام و ازین دیگر پرسیدن
۵۸	قسم غلام بر صدق و وفاداری یار خود از طهارت قلب خود
۶۵	حسد کردن خشم بر غلام خاص
۷۲	کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب
۷۳	فرمودن والی آن مرد را که آن خاربن را که نشانده‌ای بر سر راه بترکن
۸۱	آمدن دوستان به بیمارستان جهت پرسش ذالنون قدس الله سره العزیز

- فهم کردن مریدان که ذَاللُّونَ دیوانه نشده است قاصد کرده است ۸۳
- رجوع به حکایت ذَاللُّونَ قُدُّسَ اللّهُ رُوحَهُ ۸۴
- امتحان کردن خواجه لقمان زیرکی لقمان را ۸۵
- ظاهر شدن فضل و زیرکی لقمان پیش امتحان کنندگان ۸۷
- تثقیل حسرت آن خشم بر آن غلام خاص سلطان ۹۰
- عکس تعظیم پیغام سلیمان علیه السلام بر دل بلقیس از صورت حقیر قُدُّد ۹۲
- انکار فلسفی بر قرآنِ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا ۹۴
- انکار کردن موسی علیه السلام بر مناجات شویبان ۹۸
- عیناث کردن حق تعالی موسی را علیه السلام از بهر شُبَّان ۹۹
- و حی آمین موسی را علیه السلام در عذر آن شُبَّان ۱۰۰
- پرسیدن موسی علیه السلام از حق تعالی سبب غلبه ظالمان ۱۰۳
- و نجانبیدن امیری خفته‌ای را که مار در دهانش رفته بود ۱۰۶
- اعتماد کردن بر تملق و وفای خرس ۱۰۸
- گفتن تابناکی سایل که در کوری دارم ۱۱۱
- تثقیل حکایت خرس و آن ابله که بر وفای او اعتماد کرده بود ۱۱۲
- گفتن موسی علیه السلام کوسالچوست را که آن خیال اندیشی و حزم تو کجاست ۱۱۳
- ترک گفتن آن مرد ناصح بعد از مبالغه پند مغرور خرس را ۱۱۵
- تعلق کردن دیوانه جالینوس و او ترسیدن جالینوس ۱۱۶
- سبب پریدن و چریدن مرغی با مرغی که خشم او نبود ۱۱۷
- تثقیل اعتماد آن مغرور بر تملق خرس ۱۱۸
- رفتن مصطفی علیه السلام به عیادت محاسب رنجور و بیان قایده عیادت ۱۱۹
- و حی کردن حق تعالی به موسی علیه السلام که چرا به عیادت من نیامدی ۱۲۰
- تنها کردن باغبان صوغی و فقیه و غلوی را از میبگر ۱۲۰
- رجعت به قصه مریض و عیادت پیغامبر صلی الله علیه و سلم ۱۲۳
- گفتن شیخی آبایزید را که کعبه منم گرد من طوافی می‌کن ۱۲۳
- حکایت ۱۲۳
- دانستن پیغامبر صلی الله علیه و سلم که سبب رنجوری آن شخص (.....) ۱۲۵
- عذر گرفتن دلقک یا سید که چرا فاحشه را نکاح کرد ۱۲۹
- به حیث در سخن آوردن سایل آن بزرگ را که خود را دیوانه ساخته بود ۱۳۹
- حمله بُردن سگ بر کوب گدا ۱۴۰
- خواندن مُحْتَسِب مسبب خراب افتاده را به زندان ۱۴۲
- دوم بار در سخن کشیدن سایل آن بزرگ را تا حال او معلوم تر گردد ۱۴۲

- ۱۲۵ شَمْعَه نصیحت رسول صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم بیمار را.....
- ۱۴۰ وصیت کردن پیغمبر صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم مر آن بیمار را و دعا آموزیدنش.....
- ۱۴۲ بیدار کردن ابلیس معاویه را و رضی اللہ عنہ کہ خیر وقت نماز است.....
- ۱۴۳ از خر فگندن ابلیس معاویه را و رضی اللہ عنہ و روپوش و بهانه کردن و (...).....
- ۱۴۳ باز جواب گفتن ابلیس معاویه را.....
- ۱۴۵ باز تفریر کردن معاویه با ابلیس مکر او را.....
- ۱۴۶ باز جواب گفتن ابلیس معاویه را.....
- ۱۴۷ عفف کردن معاویه با ابلیس.....
- ۱۴۸ نالیدن معاویه بہ حضرت حق تعالی از ابلیس و نصرت خواستن.....
- ۱۴۸ باز تفریر ابلیس تلپیس خود را.....
- ۱۴۹ باز الحاح کردن معاویه ابلیس را.....
- ۱۵۰ شکایت قاضی از آن قضایا و جواب گفتن نایب او را.....
- ۱۵۱ بہ اقرار آوردن معاویه و رضی اللہ عنہ ابلیس را.....
- ۱۵۱ راست گفتن ابلیس ضمیر خود را بہ معاویه و رضی اللہ عنہ.....
- ۱۵۱ فضیلت حسرت خوردن آن شخص بر فوت نماز جماعت.....
- ۱۵۲ نتکہ اقرار ابلیس بہ معاویه مکر خود را.....
- ۱۵۲ فوت شدن دزد بہ آواز دادن آن شخص صاحب خانه را کہ نزدیک آمده بود (...).....
- ۱۵۲ قصہ منافقان و مسجد خبرار ساختن ایشان.....
- ۱۵۵ فریفتن منافقان پیغمبر را صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم تا بہ مسجد ضرارش برند.....
- ۱۵۷ اندیشیدن یکی از صحابہ رَحِمَہُمُ اللہُ عَنْہُمْ بہ انکار کہ رسول اللہ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم (...).....
- ۱۵۹ قصہ آن شخص کہ اُشتر ضالہ خود می جست و می پرسید.....
- ۱۵۹ متردد شدن در میان مذہب های مخالف و بیرون کش و غفلت یافتن.....
- ۱۶۰ امتحان هر چیزی تا ظاهر شود خیر و شری کہ در ویست.....
- ۱۶۲ شرح فایده حکایت آن شخص شتر جوینده.....
- ۱۶۴ بیان آنکہ در هر نفسی لغتہ مسجد ضرار هست.....
- ۱۶۵ حکایت ہندو کہ با یار خود جنگ می کرد بر کاری و خبر نداشت کہ (...).....
- ۱۶۶ قصد کردن عزان بہ گشتن یک مردی تا آن دگر بترسد.....
- ۱۶۶ بیان حال خود پرستان و ناشکران در نعمت و جود انبیا و اولیا (...).....
- ۱۶۸ شکایت گفتن پیرمردی بہ طبیب از رنجوری ها و جواب گفتن طبیب او را.....
- ۱۶۹ قصہ جوحی و آن کودک کہ پیش جنازہ پدر خویش نوحہ می کرد.....
- ۱۷۱ ترسیدن کودک از آن شخص صاحب جُفہ و گفتن آن شخص کہ ای (...).....
- ۱۷۲ قصہ تیراندازی و ترسیدن او از شوری کہ در پیشہای می رفت.....

- ۱۷۳..... قصه اعرابی و ریگ در جوال کردن و ملاحت کردن آن فیلسوف او را
- ۱۷۴..... کرامات ابراهیم اَنَّهُم قُدُسُ اللّٰهُ رُوْحَهُ الْعَزِيزُ بر لب دریا
- ۱۷۶..... آغان منور شدن عارف به نور غیبین
- ۱۷۹..... طعنه زدن بیگانه‌ای در شیخ و جواب گفتن مرید شیخ او را
- ۱۸۱..... بقیه قصه ابراهیم اَنَّهُم قُدُسُ اللّٰهُ رُوْحَهُ بر لب آن دریا
- ۱۸۲..... دعوی کردن آن شخص که خدای تعالی مرا نمی‌گیرد به گناه و جواب (...)
- ۱۸۲..... بقیه قصه طعنه زدن آن مرد بیگانه در شیخ
- ۱۸۵..... گفتن عایشه رضی الله عنها مُصْطَفٰی را عَلَیْهِ السَّلَام که تو بی‌مُصْلَا (...)
- ۱۸۶..... کشیدن موش مهار شتر او و مُعْجِب شدن موش در خود
- ۱۸۸..... کرامات آن بزرگوار که در کشتی مُتَهَمَر کردند
- ۱۸۹..... تشنیه صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ بسیار می‌گوید
- ۱۹۰..... عذر گفتن فقیر به شیخ
- ۱۹۳..... بیان دعوی که عین آن دعوی گواه صدق خویش است
- ۱۹۴..... سجده کردن یحیی عَلَیْهِ السَّلَام در شکم مادر مسیح را عَلَیْهِ السَّلَام
- ۱۹۴..... اِشْکال آوردن برین قصه
- ۱۹۵..... جواب اِشْکال
- ۱۹۵..... سخن گفتن به زبان حال و مهم کردن آن
- ۱۹۶..... پذیرا آمدن سخن باطل بودل باطلان
- ۱۹۶..... جُستن آن درخت که هر که میوه آن درخت خورد نمیرد
- ۱۹۷..... شرح کردن شیخ سب آن درخت با آن طالب مُقَلِّد
- ۱۹۸..... منازعت چهار کس جهت انگور که هر یکی به نام دیگر فهم کرده بود آن را
- ۲۰۰..... برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار به برکت رسول ضلّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ
- ۲۰۳..... قصه بطبعگان که مرغ خانگی پروردشان
- ۲۰۳..... حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در بادیه تنه‌اش یافتند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیان بعضی از حکمت تأخیر این مجلد دوم که اگر جمله حکمت الهی بنده را معلوم شود در فواید آن کار بنده از آن کار فرو ماند و حکمت بی پایان حق ادراک او را ویران کند بدان کار نپردازد، پس حق تعالی شمه از آن حکمت بی پایان مهار بینی او سازد و او را بدان کار کشد که اگر او را از آن فایده هیچ خبر نکند هیچ نجنبد زیرا جنباننده از بهرهای آدمیانست که از بهر آن مصلحت کنیم، و اگر حکمت آن بر وی فرو ریزد هم نتواند جنبیدن چنانکه اگر در بینی اشتر مهار نبود نرود و اگر مهار بزرگ بود هم فرو خسید، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ، خاک بی آب کلوخ

نشود و چون آب بسیار باشد هم کلوخ نشود، وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ
الْمِيزَانَ، بمیزان دهد هر چیزی را نه بی حساب و بی میزان الا کسانى را
که از عالم خلق مبدل شده اند و يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ شده اند و
مَنْ لَّمْ يَذُقْ لَمْ يَذُرْ.

پرسید یکی که عاشقى چیست. گفتم که چو ما شوى بدانى،
عشق محبت بی حسابست جهت آن گفته اند کی صفت حق است
به حقیقت و نسبت او به بنده مجازست يُحِبُّهُمْ تَمَامًا
يُحِبُّونَهُ كَدَامًا.